

- بحث عذاب در قرآن
- بررسی معنای واژه و ریشه آن
- ذو ابعاد بودن عذاب
- صفات مفرد همنشین عذاب در قرآن و مشمولین آن:
- عذاب الیم- عذاب شدید -عذاب عظیم- عذاب مهین- عذاب مقیم- عذاب غلیظ- عذاب قریب- عذاب ضعف- عذاب نکر- عذاب واصب- عذاب کبیر- عذاب سعد- عذاب اکبر و ادنی
- سازمان معنایی و شبکه‌ای کفر در انواع عذابها :
- ظلم - بغی- استنکاف- استکبار- شرک - کذب- عصیان- اعراض از ذکر رب

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ"

سلام عرض می کنم خدمت همه دوستان؛ تبریک ایام، اعیاد شعبانیه. ان شاء الله که برکت این روزها و این ایام مبارک، دل همه مون، همه مسلمانها به خصوص شیعیان خرم باشه، خوش باشه. ان شاء الله به برکت مولود های این ماه همه مشکلات و مصیبت ها و غصه ها و رنجها از دل هامون، از جامعه مون بره. ان شاء الله اتفاقاتی خوب در سال آینده بیفته و حوادث مثبت در جهت و مقدمه ظهور اتفاق بیفتد. خب، ما هفته پیش وعده داده بودیم که بحث عذاب ها رو این جلسه پیش بگیریم؛ خب، یک کم بحث مفصل هست فکر می کنم که کل وقت امروزمون بگیره یا شاید ما مثلاً وقت کنیم که یکی دو تا آیه از سوره فصلت کار بکنیم. به هر حال من مطلب عذاب ها رو به شکل معناشناسی می خوام اینجا امروز باز بکنم که آخرش به یک نتیجه کلی برسیم.

معنی عذاب

بریم سراغ خود معنی عذاب و همنشین و جانشین که من قبلاً هم راجع ذنب گفتم خدمتتون. همنشین یعنی اون کلمه ای که دوست کلمه مورد نظر ما هست ، کنارش نشسته. جانشین کلمه هستش که به جای کلمه موردنظر ما تو آیات مشابه جایگذاری شده. خب اول بریم سراغ خود کلمه عذاب. توی کتاب های لغت ما دوتا معنی مخالف داریم برای کلمه عذاب. راغب، راغب اصفهانی توی کتاب مفرداتش که یک کتاب لغت بسیار معروف هست اصل معنا را به معنای شیرینی و گوارایی در نظر گرفته، حالا دقت کنید ممکنه این صاحبان لغت با هم اختلاف نظر داشته باشند. فعلاً که الان دارم نظر جناب راغب رو می خونم به معنای شیرینی و گوارایی. اون شعری که منسوب به حضرت سکینه سلام الله علیها هست که در خواب می بینند،

امام حسین علیه السلام به ایشان دارند یه ابیاتی رو میگن "شیعتی مَهْمَا شَرِبْتُمْ مَاءِ عَذْبٍ فَاذْكُرُونِي" اون عذب به معنای گواراست و کلاً به نوشیدنی ها و خوراکی های گوارا صفت عذب اضافه می کند؛ اگر به باب تفعیل بره به معنای زدودن صفت هست. مثلاً عَذْبَتْه یعنی اینکه گوارایش رو از بین بردند، زدودند. یه جای دیگه علمای لغت مثلاً توی لسان العرب به معنای نکال به معنای شکنجه و عقوبت در نظر گرفتند. پس دو تا معنی متفاوت داریم. یه جا تو همون لسان العرب ادامه بحث شکنجه میگه که اصل معنا به معنای منع هست. پس یه معنای اصلی داریم به معنای شیرینی و گوارایی از دیدگاه جناب راغب و یک معنا از دیدگاه صاحب لسان العرب به معنای منع و شکنجه. بله، سرکار خانم ناصری عذب فرات هم در قرآن داریم احسنت. که باز به معنای گوارا و چیزی که ما با تمام وجودمون شیرینی اون رو درک بکنیم. همین اصطلاح نوش جان به معنای عذب هست، یا میگیم گوارای وجود یعنی همین واژه هستش. خب پس به هر حال دو تا معنای اصلی داریم یه معنای فرعی هم داریم که بی ربط نیست، صاحب مجمع البحرین جناب طریحی عذب رو به معنای هر چیز پاک که هیچ ناگواری و شوری در اون نیست. همون پس معنای شیرینی رو ایشان لحاظ کردند. بعد حالا چرا به عذاب به معنای شکنجه میگیم عذاب یعنی از ریشه عذب می گیریم؛ گفتند که عذاب چون بازتاب عمل محسوب میشه، متناسب با طبیعت عمل هست، باعث پاکسازی بدن میشه باعث پاکسازی آن شخص عذاب شده و لزوماً هم همراه با شکنجه و آزار و اذیت نیست، یک جور مسیر کماله یعنی این عذاب اگر از جانب خداوند باشه بدن رو و وجود رو پاک میکنه و مسیر کمالی برای اون معذب در نظر گرفته میشه. اما تو اصطلاح خب یه جور معنی فرق میکنه توی اصطلاح به معنای به درد آوردن، آزرده شدن که به شکل پیوسته و دائم هست و مفهوم منع رو هم توش آوردن، یعنی عذاب را از آن جهت عذاب میگن که راحتی و آسایش ازش منع شده یا آن را از بین می برد. پس مجموع گفته های صاحبان لغت اینه که حتی اگر به معنای شیرینی و گوارایی بگیریم یا حتی به معنای پاکسازی بگیریم، عذاب باعث پاکسازی بدن میشه یا اگر به معنای آزرده شدن و به درد آوردن یا منع بگیریم باعث میشه که راحتی و آسایش از ما سلب بشه. پس دو تا جهت داره؛ خب ۳۷۳ مرتبه واژه عذاب در قرآن استعمال شده و هم عذاب های دنیوی، هم عذاب های اخروی، هم عذاب هایی که از جانب پروردگار و سیستم تشریح است و تکوین همچنین. هم عذاب هایی که از جانب بنده خداست مثل مثلاً عذاب هایی که فرعون انجام می داد. تا اینجا سوالی نیست؟

صفت های مفرد همنشین عذاب

خب، حالا بریم سراغ صفت های مفرد همنشین عذاب. دقت کنید صفت، اوصاف مفرد همنشین عذاب. خود عذاب گفتیم به تنهایی نتیجه طبیعی عمل ماست، نتیجه طبیعی عمل ما خود عذابه. هیچ دلالتی بر شدت، در داوری و بزرگی و عظمت نداره، خود عذاب ما نمی توانیم از خود واژه عذاب ببینیم شدید یا الیم یا کبیر یا عظیم اینا صفاتش هستند. وقتی که واژه عذاب با الیم یا شدید یا کبیر یا عظیم یا مهین همراه میشه و همنشین میشه حالت و شدت آن را بیان می کنه، پس کنار هم قرار گرفتن عذاب و این صفات ناظر به حالت و شدت هست. حتی مثلاً عذاب نُکر داریم سوره کهف، و همین اوصافی که کنار عذاب قرار می گیرند یک بعدی از ابعاد اون رو برای ما روشن می کنند. پس خود عذاب ذوابعاد است یعنی صاحب بعد های متفاوت است که وقتی با یک صفاتی

کنار هم قرار می‌گیرند اون بعد برای ما روشن میشه؛ پس بریم سراغ بافت زبانش و اون روابط همنشینی. حتی ما به جاهایی ببینید توی قرآن عذاب رو به شکل مفرد داریم یا اضافه به ضمیر داریم مثلاً عذابُه یا عذابُها یا اضافه به اسم مفرد داریم، مثلاً عذاب رب یا همراه با صفت.

عذاب الیم

امروز ما می‌خواهیم اون عذاب‌هایی که همراه با صفت هست رو بررسی بکنیم. گفتیم هم منتسب به خداوند، هم منتسب به بشر هم مثل فرعون میتونه باشه توی سوره بقره خب داریم آیه ۴۹ که بحث عذاب الیم رو در مورد اون بنی اسرائیل و فرعون به کار برده. بیشترین صفتی که کنار عذاب و همنشین اون قرار گرفته الیم هست؛ که دقیق عدد دقیقش ۶۶ بار واژه الیم، صفت الیم در کنار عذاب قرار گرفتند. خب ما الان ده تا بیخشید ۱۴ تا عذاب و یعنی ترکیب‌های عذاب و صفات رو داریم که من به ترتیب می‌خونم. به ترتیب تکرار: عذاب الیم ۶۶ بار هست، عذاب شدید ۲۱ بار، عذاب عظیم ۱۵ بار، عذاب مهین ۱۴ بار، عذاب مقیم ۵، عذاب غلیظ ۴، عذاب قریب دو بار، عذاب نکر دو بار، عذاب ضعف دو بار، عذاب کبیر یک بار، عذاب واصب یک بار، عذاب صعداً یک بار، العذاب اکبر دو بار، العذاب ادنی یکبار. همون طور که گفتیم الیم بیشتر از همه هستش. توی قرآن این ترکیب پرکاربردترین ترکیب هست در مورد عذاب. بعد ببینیم کجاها اومده، برای انذار آمده و برای کافران، منافقان و مشرکان. گرچه سایر عذاب‌ها هم باز بیشتر راجع به این سه گروه اومدن ولی الیم هم می‌خوایم بگیم که این وسعتش و گستردگی‌ش این سه تا گروه رو کافر، منافق و مشرک رو در بر گرفته. خب الیم یعنی چه؟ الیم صفت هست به معنای دردناکه، اما از لحاظ صیغه‌ای شما به من بفرمایید از لحاظ صیغه‌ای چه معنی میده؟ یعنی من اگر صفت این رو الیم ظاهرش صفته باطنش چیه؟ به شکل صیغه؛ دوستان بفرمایید؟ خب بله ظاهر صفت هست، فعیل هست، باطنش چه صیغه‌ای هست؟ ببینیم دوستان نظری ندارند. متوجه کلمه‌ای که نوشتید نمیشم خانم ناصری. منظورم اینه که الیم که ظاهرش صفته، صفت فعیل هست، صفت مشببه به چه منظوری به کار برده شده؟ اسم فاعل، اسم مفعول، مصدر. اینا باید مشخص بشه. وقتی می‌گیم صیغه یعنی حالت صرفی‌ش دیگه؛ آهان اسم فاعل احسنت. یعنی پس به معنای مؤلم مَفْعِلِ اسم فاعل از باب افعال، میشه مَفْعِل. پس الیم، آلم میشه مؤلم پس با این حساب عذاب الیم میشه عذاب دردآور عذاب مؤلم. الیم رو تعریف میکنن علمای لغت می‌گن اَلْأَلَمُ اَلْوَجَعُ شدید درد شدید. پس عذاب الیم یک درد یک عذاب درد آور. گاهاً اختلاف هست بین علمای لغت، بعضی‌ها می‌گن همون صفت رو بگیریم، بعضی‌ها می‌گن مصدر بگیریم، بعضی‌ها می‌گن اسم فاعل بگیریم. جناب راغب اسم فاعل گرفته. شاید شما نظرات سایر علمای ادبیات عرب را هم ببینید مثلاً ببینید که نه به معنای صفت گرفتند. درسته، صفتش هم درسته. حالا من اینجا چون نظر راغب که علامه طباطبایی هم خیلی به نظر راغب توجه می‌کنند و نظرشون به اون نزدیک است اسم فاعل گرفتند. یعنی عذابی که درد آورنده هست. اگر به ثبوت و دوام دلالت بکنه، خب یک معانی از صفت مشببه هم در اون دیده میشه. خب این از این، پس از آلم دردی هستش که، الیم دردی هستش که به نهایت خودش رسیده. نمی‌دونم توی این دنیا ما چه دردی می‌تونیم با اون معادل بگیریم؛ یعنی عذاب الیم مصداق آشناس توی دنیا چی میتونه باشه؟ حالا اون آماری که برای دردناک

بودن یک عذاب می‌گن توی همین دنیا بحث سوختن با آتش هست. حتی سوختن با آب جوش نه، سوختن با خود آتش؛ که نهایت دردآوری هست. حالا این ایام، ایام شادی. ما داریم امروز از عذاب حرف می‌زنیم ان شاء الله که خوفمون بیشتر بکنه. قصدمون این نیست که بخواهیم خدای نکرده اذیت بکنیم. حالا چون بحث امروز قرار بود که این بحث را داشته باشیم دیگه همزمان شد دیگه، عیب نداره. خب پس الیم یعنی نهایت درد. توی دنیای مادی و طبیعت چیزی که شناخته شده است دردناک تر از سوختن با آتش وجود ندارد. دردناک تر از سوختن با آتش وجود ندارد. خب من متنم رو بیارم؛ ببخشید.

خیلی خب. اون دردی که خدا همه رو یعنی چه مومن چه کافر یکجا مثلاً راجع بهش صحبت کرده بحث عذاب رو، عذاب الیم نیست. پس عذاب الیم مال یک گروه خاصه. مثلاً سوره تغابن آیه مبارکه ۵ " أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ " یا حالا آیاتش زیاده ها. می‌گم حدود ۶۶ بار ما این ترکیب رو داریم، بیشتر عَذَابٌ أَلِيمٌ ها در مورد عذاب اخروی به کار برده شده مگر دو سه مورد که بحث مثلاً شکنجه فرعون بوده یا مورد های دیگر. گفتن که اون آیاتی که در بردارنده عذاب الیم هست مربوط به کافران هست چون که خود بحث کفر یک واژه، یک اصطلاح خیلی فراگیری هست برای تمام ارزش‌های اخلاقی و دینی منفی؛ تمام ارزش‌های اخلاقی و دینی منفی به هر حال یه ربطی به کفر دارند یا مستقیم یا غیرمستقیم و حتی کفر را تعریف می‌کنند که مرکز تمام صفات و سجایای منفی هست یعنی ما هر سجه ی منفی داشته باشیم حتما پشتش یه درجاتی از کفر نمود داره. خب، این که وقتی که به آیاتی که عذاب الیم داره بهش ما مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که حتماً با کافران داره صحبت میکنه یا حرف از کفره، در کنارش بحث ظلم هم هست مثلاً توی بعضی از آیات نتیجه ظلم عذاب الیم معرفی شده، مثل سوره شوری " أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّهَا سَبِيلٌ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۴۲﴾ " که هم اینها ظلم به مردم می‌کنند، یعنی ظالمند و هم بَغِي بر روی زمین دارند. پس دو تا همنشین اینجا عذاب داره یکی بحث ظلم هست و یکی بحث بَغِي هست. از عوامل زمینه‌ساز عذاب الهی هستند. بَغِي چی هست؟ بَغِي یه معنی طلب دارد، منتهای اگر طلب منفی باشد درخواست های خود خواهانه و متکبرانه ظلم باشه خود بَغِي اینجوری هست؛ یه حالت اینکه علیه دیگران ما بیدادگر باشیم یا علیه دیگران بیدادگرانه عمل کنیم توش تعدی و تجاوز هم هست. پس اینجا ظلم به همراه بَغِي نتیجه اش میشه عذاب الیم. دوباره یکی از همنشین های دیگش یعنی بحث عذاب الیم بحث کبر هست. آیه ش، سوره مبارکه نسا آیه ۱۷۳ " وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا " خب اینجا چند تا کلمه اومد یکی بحث استنکافه، یکی بحث استکبار. دو تا پس همنشین داریم همنشین عذاب الیم. سرپیچی و سرکشی، استنکاف یعنی سرپیچی، استکبار یعنی همان کبر و غرور و سرکشی. پس یکی از عناصر مهم توی ساختمان معنایی کفر یکی ظلم، یکی بَغِي، شما بگین یکیش استنکاف، اون یکیش استکبار؛ یعنی ما اگر همون جلسات اول اگر خاطر تون باشه ما زنجیره درست می‌کردیم زنجیره معنای درست می‌کردیم اگر کفر مرکز باشه که گفتیم ۹۹ درصد این آیات عذاب الیم، که ۶۶ تا است مربوط به کفره خب، حالا ببینیم ببینیم که سازمان معنایی کفر چیه؟ یکیش استکبار، یکیش استنکاف، یکیش ظلم به مردم، یکیش بَغِي هست. پس باید اینا رو کنار هم قرار بدیم چون میدونیم از مشخصه اصلی کافران کبرهست. شخص کافر حتماً متکبر هم هست، کبرم که میدونین دیگه دقیقاً نقطه مقابل ایمان هست. متکبرانه

رفتار کردن خودش زمینه را برای کفر فراهم می‌کند. پس تا الان گفتیم سازمان معنایی کفر فعلاً تشکیل شده از: ظلم به مردم، بغی، استنکاف، استکبار. که همه اینها آیات رو کنار هم می‌ذاریم می‌بینیم که حتماً منجر میشه به عذاب الیم. تو سوره غافر هم ما به کبر پرداختیم. خب خیلی در قرآن مذمت شده این صفت، متکبرین مذمت شدند و خود صفت کبر مانع از ورود ایمان به دریچه قلب میشه. آیات مربوط به قیامت، عذاب های قیامت بیشترش عذاب الیم هست. انگار که عذاب های قیامت یه دردی داره که با آخرین حد خودش رسیده یعنی فراتر از اون دیگه نمیتونیم تصور بکنیم؛ استمرار هم توش داره، حالا بیشتر عذاب های اخروی پس با صفت الیم هست برای کافران، ظالمان، برای مفسدین، برای سرپیچی کننده ها مثل استنکاف، برای متکبران برای همه اینها که توی سازمان کفر قرار دارند عذاب الیم به کار گرفته شده. پس این اولین ترکیبمون. من ترکیب ها رو بگم.

عرض کردم عذاب الیم رو خلاصه ما مطالبش رو جمع کردیم. این که این ۶۶ مورد حول کفر می چرخه. آیات کفر اگر جمع بکنیم واژه‌های ظلم و بغی، استنکاف و استکبار توش نمود داره که همه این آیات به عذاب الیم منجر میشه نتیجه ش هست. بعد عرض کردیم که برای عذاب های قیامت هم وقتی عذاب الیم به کار برده میشه توی تعریف گفتیم آخرین حد از درد هست و ظاهراً در عذاب های قیامت کار به یه جایی میرسه که بالاتر از اون حد ما دیگه دردی نداریم. که برای اینکه برای ذهن ما ملموس باشه و ما بتونیم مثلاً عذاب الیم در قیامت رو کمی فقط تصور کنیم حرف از آتش و نار هست در آیات قرآن؛ در حالی که مفهوم نار در قیامت و آخرت متفاوت با آتش دنیایی هست از این بابت فقط مثال زده شده که برای ما ملموس باشه. ما بتونیم بفهمیم. چون عرض کردیم توی دنیا و تو این عالم طبیعت بالاترین درد سوختن به آتش هست. به خاطر همین از عذاب های اخروی هم از اصطلاح نار و عذاب جهنم نامبرده. حالا دیگه چی هست ماهیتش و از چه سنخی هست ما خیلی نمیتونیم راجع بهش صحبت کنیم. شاید این آتش هست، منتها مثلاً درجات بالاتر. نمی دونیم خیلی نمی توانیم راجع بهش صحبت بکنیم. خب پس اون بحث عذاب الیم ترکیب ها را گفتیم.

عذاب شدید

عذاب شدید، بعد از عذاب الیم دومین تعداد تکرارمون عذاب شدید هست. ۲۱ مرتبه در قرآن به کار رفته. باز هم در کنار کفار و کفر واقع شده. خب حالا باید شدید رو معنی بکنیم، به معنای صلابت، محکم بودن و ضد نرمی یعنی متناقض با نرمی هست. میگن و هی نقیض لین به من صلابه و هی نقیض لین. به معنای ضد نرمی یا شد به معنای بستن محکم هم هست. مثلاً گره بستن رو تشدید میگن. أَشَدُّ الْعَقْدِ که بستن گره هست به معنای محکم بستن. که هم در مورد گره هست، هم محکم بستن عضلات بدن هست، هم بحث نفس یعنی شدت نفس و هم شدت عذاب. پس معنی شدید به معنای سخت و محکم. مثلاً می‌گیم عذاب شدید در قرآن، زلزله شدید، حساب شدید و غیره. پس حالا همنشین شدید کنار عذاب مثل آیه سوره مبارکه یونس آیه ۷۰ " أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ثُمَّ نَذِيْقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ " کسانی که این آیه، آیه قبلش می‌گه " قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ " که ادامه ش می‌گه " ثُمَّ نَذِيْقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ " کسانی که به خدا دروغ می‌بندند رستگار نمی‌شن عذاب شدید را برای این ها آورده. دروغ بستن یکی از مصادیق

دروغ بستن به خدا گفتیم شرکه. شرک هم که میتونه تو سازمان معنایی کفر قرار بگیره. پس تا الان چند تا شد؟ ظلم و بغی و استنکاف و استکبار و پنجمین شرک. آنهایی که مشرک هستند عذاب شدید هم براشون لحاظ میشه، بحث افترا بر خدا. شرک خودش یک مقوله ای از سازمان معنایی کفره. بارزترین وجه شرک اینه که ما چند تا خدا داشته باشیم، اما انواع شرک داریم، ممکنه درجاتی از شرک به شکل خفی در ماها هم و در غیر معصومین هم وجود داشته باشد. ممکن تو سل های ما به غیر خدا باشه؛ اینجاها ما دچار شرک میشیم. ممکنه ما نگاه توحید نگرمون ضعیف باشه، پس اینجاها دچار شرک میشیم. اما اونیه که توی قرآن میگه عذاب شدید برای مشرکان هست در درجه اول برای مشرکان شرک جلی هست یعنی آشکارا برای خداوند شریک قائل میشن؛ خیلی هم از ما دور نیستن این اقوام ها، این مشرکین. فکر نکنید فقط برای زمان انبیا است یا برای زمان مثلا پیامبر اکرم هست. همین الان که داریم ما صحبت می کنیم تو خود کشور ما به نام کشور شیعه ما مراتبی از مشرکین جلی را داریم، ما ناخدا باور رو داریم، ندانم گرا ها را داریم، آگنوستیک، Atheist، انواع و اقسام این گروه ها، عرفان های کاذب، اینهایی که رو میارن به عناصر شیطانی این همه میشن مشرک، مشرک های جلی. پس خیلی دور نیستند جلوی چشممون هستند و تو مراتب بعدش خب شرک های خفی که افراد غیر معصوم به درجات فاصله شون از عصمت دچار شرک خفی میشن. پس باز هم کفاری که دچار شرکند، یعنی در مقابل شرک و کفرشون عذاب شدید و سخت دارند. میگه که سوره ابراهیم آیه مبارکه ۲ " **اللّٰهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۗ وَوَيْلٌ لِّلْكَٰفِرِيْنَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيْدٍ** " وای بر کافران از عذاب شدید. پس حتماً کفر ما رو در درجه اول به سمت عذاب الیم سوق میده و در درجه دوم به سمت عذاب شدید. آخر سر به بحثی دارم که ممکنه یک عذابی در عین اینکه الیم هست، شدید هم باشد.

عذاب عظیم

اتفاقا الان می خواهیم راجع به عذاب عظیم که تو مرتبه سوم تکرار هست، ۶۶ مرتبه عذاب الیم هست، بیست و یک مرتبه عذاب شدید هست، ۱۵ مرتبه هم عذاب عظیم. باز هم بیشتر عذاب عظیم ها مربوط به کافران و منافقان هست. عظیم به خودی خود به معنای با عظمت، صفتی هست از صفات خداوند، به معنای بزرگی با کبیر بعضا میگن مترادف هست؛ چه محسوس، چه عظیم معقول، چه عظیم معنوی، عظیم از اسما حسنا است که توی قرآن ۶ بار کنار صفات خدا، یا حالا کنار رب مثلا یا کنار الله قرار گرفته، حالا اگر این صفت کنار عذاب قرار بگیره و به اصطلاح همنشینش بشه چی؟ مثل این آیه " **أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ اِنَّ الَّذِيْنَ يَّرْمُوْنَ الْمُحْصَنٰتِ الْغٰفِلٰتِ الْمُؤْمِنٰتِ لَعِنُوْا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ (۲۳)** " کسانی که به زنان پاکدامن و بی خیر و با ایمان نسبت فاحشه می دهند در دنیا و آخرت لعنت شده اند و برای آنها عذابی سخت خواهد بود که امام صادق علیه السلام ذیل این آیه می فرمایند که این آیه گواه بر این است که نسبت ناروا به زنان پاکدامن و عقیف از گناهان کبیره است؛ خیلی ترسناک میشه وقتی این آیات را و در واقع این روایات را می بینیم. نسبت ناروا به زن پاکدامن باز هم دور تصور نکنید؛ ممکنه که در روزمرگی های ما بارها و بارها این اتفاق برامون بیفته، نسبت های ناروا به زنان پاکدامن. زن پاکدامن معنیش اینه که زنی که عمل منافی عفت انجام نمیده ممکنه این

زن، این خانم از لحاظ ظاهری متشرع هم نباشه؛ پس باید خیلی دقت کنید. منظورم این هستش که ما گاهاً با خانم هایی مواجه می شیم که ظاهر شرعی ندارد اما پاکدامن هستند، یعنی دامنشون ، دامن عفت شون آلوده نیست.

سؤال: خب اینجا یه سؤال کردند، فرق بغی و ظلم؟ عرض کردیم ظلم یکی از معانی سازمان معنایی کفره، ظلم هر چیزی که تو جای خودش قرار نگرفته باشه و ما، مانع از جایگیری هر چیزی در جای درستش باشیم میشه ظلم. بغی طلب اون ظلم هست؛ خواستن اون کار هست.

خیلی خب، حالا عذاب عظیم به معنای عذاب پرسرو صدا . تا اینجا دسته بندی کنیم:

عذاب الیم شد عذاب درد آور که نهایت درد رو داره، نهایت دردناکی را دارد.

عذاب شدید شد عذاب سخت و محکم.

عذاب عظیم شد عذاب پر سر و صدا.

اینارو لازم داریم آخرش ها. می خوایم با مثال پیش بریم آخرش. عذاب عظیم یعنی عذابی که خیلی دورش شلوغه، پر سر و صدا هست.

عذاب مهین

خب بریم سراغ واژه بعدی. یعنی هم نشین عذاب با مهین، مهین عزیزان به من بگن از لحاظ صرفی و صیغه ای چی هست؟ احسنت، اسم فاعل. از چه بایی هست؟ باب افعال و ریشه اش؟ هون . بله؛ ۱۴ مرتبه در قرآن آمده. بعضی ها ریشه رو از مَهَن هم گرفتن ها؛ یعنی علاوه بر هَوَن معنی مَهَن رو هم گرفتن. به فرض جناب ابن فارس در کتاب لغت خودش مَهَن گرفته؛ بعضی ها مثل جناب راغب هون گرفتند خب هردوتاش به معنای حقارت، خواری، ضعف، کوچکی. حالا آیاتی که، یه آیه مثال میزنم از آیه ای که مثلاً عذاب مهین داره " **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ ۗ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٧٨﴾** " کسانی که کافر شدند ببینید باز با کافرا سرکار داریم. اگه از ریشه مهین بگیریم همیشه صفت مشبیه؛ اگر از ریشه هون بگیریم همیشه اسم فاعل هردوش درست هست. دیگه یک اختلاف نظر هست بین علمای لغت. کسانی که کافر شدند فکر نکنند یا نباید تصور کنند اینکه ما بهشون مهلت میدیم براشون خیره. ما فقط مهلت میدیم که " **لِيُزَادُوا إِثْمًا** " تا بر گناه خودشون بیفزایند، بعد عذاب خفت آور، خفیف کننده. خب یعنی این مهلت دادن به کافران یعنی چی؟ یعنی خدا امر آنها را به خودشون واگذار می کند؛ این یه معنی امهال هست. املا و امهال و استدراج هر سه در یک زنجیره معنایی قرار دارند. واگذاری کافران به خودشون. یکی از دعاهای ماه شعبان اون جملاتی که خیلی معروف است و ما به زبان می آوریم از خدا می خواهیم که ما رو لحظه ای به خودمون وامگذاره؛ این جمله رو تو دعای ماه شعبان زیاد به کار می بریم " **خدایا لحظه ای ما را به خودمون وامگذار** ". چون این واگذاشتن شخصی به خودش یعنی امهال. امهال رو فقط برای افراد خاص یا برای کافران

نشاندار باز تصور نکنیم، خیلی دور نیست، امهال میتونه شامل ما هم باشه و باعث میشه که گناه زیاد باشه. مثلا آیه دیگه سوره حج آیه ۵۷ " **وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا قُلْ إِنَّهُمْ لَهُمَّ عَذَابٌ مُّهِينٌ** " کسانی که کفر ورزیدند و نشانه‌هایی ما رو دروغ پنداشتند براشون عذاب خفت آور هست.

خب باز هم یه لغت دیگه به سازمان معنایی کفر اضافه می کنیم. شما بگید اون لغت چیه؟ با توجه به این آیات. این دو تا آیه ای که خوندم؟ کذب؛ بحث تکذیب. حالا چه ارتباطی بین کفر و تکذیب وجود داره؟ کفر یعنی اگر بیایم اصل معنا رو در نظر بگیریم به معنای ناسپاسی کردن و ناسپاس بودن هست، در مقابل خیر یا احسان یک محبت به کار میره نقطه مقابل شکر، کفر نقطه مقابل شکر هست. و حالا تکذیب چی هست؟ هم کفر و هم تکذیب یا کذب؛ تکذیب آیات الهی در واقعه کذب نگیم. بگیم تکذیب آیات الهی چون میگه " **وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا** " پس این دو تا از عوامل زمینه ساز عذاب مهین هستند. کافر، کسی که کفر داره پس میرسه به این که آیات خدا رو تکذیب کنه. رابطه بر عکس هم میشه؛ کسی که آیات خدا را تکذیب میکنه به کفر می رسه. پس اینا با هم، رابطه معنایی دارن. پس عذاب مهین، عذاب خوار کننده است تحقیر توشه. باز تا الان ردیف بکنم، عذاب الیم عذاب دردناکی که بالاتر از آن درد نداریم، عذاب شدید یعنی عذاب سخت و محکم و عمیق، عذاب عظیم یعنی عذاب پرسروصدا، عذاب مهین یعنی عذابی که همراه با تحقیر و خواریه، خوار کننده است، خفت آور هست.

عذاب مقیم

یه کلمه دیگه داریم همراه عذاب ۵ مرتبه در قرآن تکرار شده، کلمه مقیم، خب دوستان بگن از لحاظ صرفی مقیم چیه؟ احسنت، اسم فاعل، ریشه قَوْمَ هست، باب افعال، معنی لغویش به معنای اثَّابْتُ دائم یعنی یه چیزی که دائمی و ثابت و تغییرناپذیر، پیوسته است. پس عذاب مقیم میشه چی؟ عذاب بدون تغییر و دائمی و پیوسته، پابرجا. دوباره آیاتی که مربوط به کافران و مشرکان هست علاوه بر عذاب الیم عذاب مقیم هست. باز هم تاکید بکنم یک عذاب در آخرت میتونه در عین اینکه الیم هست، شدید باشه، عظیم باشه و مقیم و مهین باشه. اینها با هم استبعاد ندارند، بعید نیستند از هم. مثلا آیه سوره شوری آیه مبارکه ۴۵، آیه قبلش میگه که " **وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الدَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ** " الی آخر " **أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ** " ظالمین یا ستمکاران گفتیم حالا، ظلم هم که گفتیم دیگه تا الان تو زنجیره معنایی، در عذاب دائم هستند. مثلا این طَرْفٍ خَفِيٍّ یعنی نگاه به ذلت و خواری، وقتی که مومنان در روز قیامت کفار با این حالت مشاهده می کنند زیر چشمی نگاه می کنند بهشون، با خفت و خواری بهشون نگاه می کنند. میگن که کافران به خاطر کفر زیان کارند و ستمکاران که مشرکان اند همه اینها دیگه با هم دارند، شرک و ظلم و کفر با هم دارند؛ دچار عذاب مقیم می شوند. مثلا سوره مبارکه توبه، " **وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ هِيَ حَسْبُهُمْ ۗ** **وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ** " خب، خدا به مردان و زنان منافق و کفار وعده آتش دوزخ داده، خدا آنها را از رحمتش دور ساخته، عذاب همیشگی برای آنها هست، خب پس به اونهایی که تظاهر به اسلام می کنند مثل منافقین که اینجا براشون عذاب مقیم لحاظ شده. پس یک عذاب میتونه الیم باشه، شدید باشه، مهین باشه و در

عین حال مقیم باشه یعنی دائمیه ثبات داره ، پیوسته است، قطع نمیشه و حتی ممکنه در دنیا هم باشه یعنی از همین الان یک ظالم و یک کافر و یا مشرک یا منافق یک عمل ناروا انجام میده از همین الان در تعب و رنجه؛ از همین الان عذاب برایش ثابت شده "وَأَنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (۴۹)" خب، ما همین الان گفتیم که، توی جلسات گذشته گفتیم که گاهی یک چشمهای برزخی افراد رو همین الان داخل عذاب میبیند پس ما همون لحظه چون "إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ" چون خداوند سریع الحساب هست در لحظه ی ارتکاب عمل عمل کفرآمیز، شرک آمیز همراه با نفاق یا همراه با ظلم به مردم، در همون حین ما داخل عذابیم، اتفاقی که تو قیامت میافته اینکه پرده ها کنار میرن و ما خودمون رو که میبینیم داخل عذاب هستیم. عذاب زوال ناپذیر؛ همیشگی؛ ثابت؛ نه کم میشه، نه قطع میشه ؛ آنهایی هم که مورد لعنت هستند باز دچار عذاب مقیم هستند.

عذاب غلیظ

همنشینی با واژه غلیظ عذاب غلیظ، چهار مرتبه در قرآن آمده که میگن که غلیظ به معنای سخته، عذاب سخت و شدید؛ انگار که با همون عذاب شدید یک ارتباط معنایی هم دارد. آیه مبارکه ۵۸ از سوره هود "وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ" وقتی که فرمان ما فرا رسید هود و آنها را که به او ایمان آورده بودند به رحمت خود نجات بخشیدیم و از عذاب شدید آنها را رها ساختیم. یعنی سنگین، غلیظ اینجا ممکنه به معنای سنگین هم باشه "وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ" علتش اینه "وَعَصَوْا رَسُولَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ" سبب عذاب قوم عاد ممکن است عصیان از پیامبران باشه و جحد به آیات خدا یا انکار آیات خدا "جَحَدُوا بِآيَاتِ اللَّهِ" "عَصَوْا رَسُولَهُ" که باز هم از عوامل سازمان معنایی کفره. تا الان چند تا شد؟ ۴ تا شد که خانم غلامی نوشتن ظلم و بغی، استکبار و استنکاف، شرک جلی، کذب و اینجا اضافه کنیم چی؟ عصیان از دستورات رسل و جحد آیات الهی یا انکار آیات الهی. اون یکی چیه؟ و پیروی از جبار. همه اینها از نتایج کفر هست. و پیروی از جبار عنید ممکنه که ما را به عذاب غلیظ سوق بده. "فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ" همین سوره فصلت که فعلا در محضر شون هستیم آیه مبارکه ۵۰. پس همانا ما کافران را از اعمالی که انجام داده‌اند آگاه خواهیم کرد و از عذاب شدید به آنها می چشانیم. متاسفانه غلیظ رو شدید معنی می کنیم چون ما نداریم واژه معنی. حالا می تونیم سنگین هم معنا بکنیم. پس مراد از عذاب غلیظ، عذاب سنگینه. بازم لیست کنم ؟ تا اینجا یا دستتون اومد؟ عذاب الیم چی هست. عذاب شدید، عذاب عظیم و عذاب مقیم، عذاب مهین ، عذاب مقیم و عذاب غلیظ.

عذاب قریب

یه همنشین دیگه هم داریم؛ همنشینی با واژه قریب ۲ مرتبه به کار رفته. همه مفسرین یا حالا بیشتر مفسرین معتقدند که حتماً مربوط به عذاب و آخرت هست. "إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا" سوره نباء آیه ۴۰ ؛ عذاب نزدیک منظور عذاب قیامته، کنایه از اینکه قیامت

به ما بسیار نزدیکه. نزدیک بودن چند تا معنا پشتش داره. نزدیکه، یعنی وقوعش حتمیه، یعنی حقه، یعنی بدون شک هست. روز قیامت آنقدر نزدیک که کافر و گناه کار در اون روز آرزو می کنه ببینید مثلا فعل ها به شکل مضارع، خیلی نزدیک هست به ما. مثلا یقولُ، یَنْظُرُ. خب ای کاش خاک بودم آرزو می کنه ای کاش خاک بودم انگار که ناامید میشه از رهایی از اون عذاب. پس عذاب قریب سوای اون صفاتی که ممکنه الیم باشه، شدید باشه، عظیم باشه و... ممکنه همین نزدیک، دو سه روز دیگه قیامته. پس منظور از نزدیک بودن تردید ناپذیری، حتمی، حتمی الوقوع هست. یکی از راههای مبارزه قرآن با کفر انذار به عذاب قیامت هست که بسیار نزدیک هست. یه آیه دیگه هم داریم، سوره هود آیه مبارکه ۶۴ " **وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَافَةٌ لِّلَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَمَنْ رَأَاهَا فَتَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ** " جالبه که این صفت قریب رو حضرت صالح برای قوم خودش میگه که اگر این ناقه رو شما اذیتش بکنید به شما عذاب قریب میده باز کنایه از عذاب آخرت هست. سوای عذاب دنیایی که اونها دچار شدند. البته بعضی از مفسرین این آیه رو میگن عذاب دنیوی است. ولی اگر به شکل کلی بگیریم عذاب قریب عذاب اخروی است دیگه اینجا اختلاف مفسرین دیگه. اگر مربوط به قوم ثمود باشه میگن ممکنه به عذاب دنیوی شون اشاره کرده که مقدمه عذاب اخروی شون هست.

عذاب ضعف

یه همنشین دیگه داریم، ضعف، ۲ مرتبه در قرآن به کار رفته. ضعف یعنی چی خانم ها؟ و یا اگر آقای توی گروه هستید؛ ضعف رو هم بفرمایید؟ معنای ضعف؟ دو برابر. خب به معنای مثل هم هست. چند برابر میشه مضاعف. دو برابر و مثل. بیشتر به مثل تاکید میکنند. جمعش هم اضعافه. اضعافاً مضاعفاً داریم در آیات قرآن. مثل چی؟ سوره اعراف آیه ۳۸ " **قَالَتْ أَخْرَاهُمُ لِرَبِّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَاتَّيَبْنَا بِعَذَابِهَا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ ۗ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ** " الی آخر آیه. پیروان راجع به پیشوایان شون میگن پروردگارا اینان ما را به گمراهی کشانده اند پس عذاب شان را از آتش دو چندان گردان؛ خدا می فرماید برای هر کدامتان دو چندان است. بله مخالف قوه هست احسنت. یه آیه دیگه هم داریم " **قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَؤُلَاءِ فَرِّدْهُمْ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ** " جهنمیان می گویند پروردگارا هر کس این عذاب را برای ما فراهم ساخت عذابی مضاعف در آتش بر او بیافزا. این هم از این. مثلا جناب طبرسی میگن که کافران زمانی که داخل دوزخ شوند می گویند خدایا کسی که سبب شد به این عذاب برسیم علاوه بر آنچه مستحق هستند دو چندان عذاب شان کن. یکی به خاطر کفرشان به خداوند، دیگری به خاطر اینکه ما را به سوی کفر دعوت کردند؛ این هم نظر یکی از مفسرین. یعنی مثلا اگر عذابی دردناکه، دردش رو چند برابر کن، اگر شدید هست شدت شو چند برابر کن، دو برابر کن. اینا درخواست تابعان، درخواست پیروان هست از خداوند برای عذابی که پیشوایان، پیشوایان شون براشون دارند.

عذاب نکر

خب یه واژه ای هم نشین دیگه داریم، نکر باز هم دو مرتبه هست. نکر یعنی چی دوستان؟ احسنت؛ ناشناخته . بله. ناشناس، غیر معروف؛ معروف و منکر داریم. بله احسنت. غیر معروف به معنای زیرکی و کار سخت و دشوار هم به کار رفته. کار سخت و دشواری که ناشناخته هست، یعنی تا الان ما اون کار سخت رو انجام ندادیم، پس عذاب نکر یعنی یک عذابی که تا الان نظیرش نبوده، نا آشنا بودیم باهاش، به نظر نمی آمده، " وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَبْنَاهَا عَذَابًا نُكَرًا " سوره طلاق آیه مبارکه ۸. چه بسیار شهر ها و آبادی ها که اهل آن از فرمان خدا و رسولانش سر پیچی کرده اند و ما حساب آنها را به شدت رسیدیم و به مجازات کم نظیری گرفتار ساختیم. خب خیلی از اقوام پیشین که از اوامر پروردگار و از دعوت رسولان سرپیچی کردند با این آیات تهدید می شوند. عقوبت های بسیار سخت در دنیا و ناشناخته در دنیا مثلاً اون قومی که اولین بار با صاعقه عذاب شده. یا قومی که اولین بار با زلزله عذاب شده. یا مثلاً عذاب قوم لوط می تونه عذاب نکر باشه، ناشناخته هست. اینها زیر و رو شدند، قریه شون که اسمش سدوم هست شدند موتفکات. افک یعنی زیر و رو شده ها. عذاب های عجیب، سنگ شدند. یا اون قومی از بنی اسرائیل که مسخ به میمون شدند؛ اینها پس از مصادیق عذاب نکر هستند؛ ناشناخته است. در آخرت هم همچنین عذاب نکره. سوره کهف هم داریم " قَالَ أَمَا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكَرًا " آیه ۸۷ سوره مبارکه کهف. کسانی که ستم کرده اند ما آنها را مجازات خواهیم کرد سپس به سوی پروردگارشان باز می گردند و خدا آنها را مجازات کم نظیر خواهد نمود. انگار آدم غافلگیر میشه با این عذاب نکر. تا الان نمی دونسته، نمی شناخته، انتظارشو نداشته و سخت هم هست.

عذاب واصب

یه کلمه دیگه هم داریم کلمه واصب؛ ۲ مرتبه در قرآن آمده. واصب یعنی پیوسته و دائمی. غیر قابل تصور هم می تونیم برای نکر بیاریم دقیقاً؛ نکته جالبی که برای عذاب واصب هست؛ عزیزانی که حافظ قرآن هستند بگن یه آیه از عذاب واصب رو. "وَلَهُ الدِّينُ وَأَصْبًا" خب این کلمه هست برای آسمانها آنچه که در آسمانها و زمین است. آیه اش این دیگه " وَ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَأَصْبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ " دین پیوسته. خود پس اینجا بحث عذاب نیست. بله سوره صافات آیه شو بگین؛ حافظ تو گروه داریم آخه چند تا. آهان " دُحُورًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ " سوره مبارکه صافات آیات مبارکه ۷ تا ۹ میگه " وَ حِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ (۷) " " دُحُورًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (۹) " این عذاب واصب یه ویژگی داره، فقط مخصوص شیاطینه؛ مخصوص انس نیست، مخصوص شیاطین جن هست یا شیاطین ممکنه غیر از جن هم باشند؛ چون شیاطین یه پلیدی دارند و با این پلیدی شون خودشون را از رحمت پروردگار محروم کردند، خودشون را مستحق عقوبت ابدی کردند، تا روز قیامت عذاب دائمی دارند، مورد طرد هم هستند. دحور یعنی طرد شده. خب پس یه نوع عذاب همیشگی هست که فقط دامن گیر شیاطین میشه.

عذاب کبیر

و اما کلمه دیگر کبیر، یک بار در قرآن آمده صفت عذاب هست، همنشین هست، می‌گه که اصل صحیح ید الله علی خلاف سقر و یقال کبیر ، یعنی مخالف صغیر هست به معنای بزرگی هست. سوره فرقان آیه مبارکه ۱۹ " وَمَنْ يَظْلِمْ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا " هر کس از شما ستم کند عذاب بزرگی بهش می چشانیم. مراد از این بحث ظلم که عذاب کبیر بهش چشونده میشه به این ظالم، مطلقه ظلم و معصیت هست. مطلقه. یه جاهایی ظلم شرکه، یه جاهای مطلقه.

عذاب سعد

یه واژه دیگه داریم سعد، عَذَابًا صَعْدًا سوره مبارکه جن آیه ۱۷ که به معنای عذاب شدید هست، مشقت و سختی داره توش، مشقت بار، دشوار، برای هر کار سختی استعاره داره. استعاره هست برای هر کار سختی. این عَذَابًا صَعْدًا سوره جن هست آیه ۱۷ " لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعْدًا " تا بیازماییم ایشان را در آن نعمت و هر که از یاد کردن پروردگار خود روی بگرداند خدا او را در عذابی سخت درآورد. عذاب کبیر سوره فرقان آیه ۱۹ هست. خب صَعْدًا، صعود یعنی بالا رفتن؛ به معنای گردنه هم هست. چون بالا رفتن از گردنه ها سخته به معنای دوم به کار میره. یعنی امور مشقت بار یعنی عذاب مشقت بار. هی بیشتر میشه عذاب؛ هی لحظه لحظه بیشتر میشه، فرد معذب رو مغلوب تر میکنه، مثل اینکه ما از یک شیب تندی بالا میریم هرچقدر بالاتر میریم سخت تر میشه، شیب بیشتر میشه و سختی ما رو بیشتر میکنه. خب سبب دخول آتش اینجا چیه، بر اساس این آیه که گفتم؟ آیه اش چی بود؟ " لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعْدًا " بفرمایید سبب دخول در عذاب سعد چی میتونه باشه؟ اعراض از ذکر رب. احسنت. بله. پس یکی دیگه از اون واژه‌های سازمان معنایی کفر هم اینجا مشخص شد اعراض از ذکر رب.

عذاب ادنی و اکبر

یه عذاب ادنی و اکبر هم داریم؛ یک بار ادنی، دوبار هم اکبر صفت عذاب واقع شدند. می‌گه هر چیزی که تو دنیا باهش عذاب بشی میشه عذاب ادنی، هر چیزی که تو آخرت هست میشه عذاب اکبر. نظرات علمای اهل لغت مثل ابن منظور. پس عذاب ادنی یعنی عذاب دنیوی، عذاب اکبر یعنی عذاب اخروی. بیشتر مفسرین نظرشون این هستش. مثلاً می‌گه " وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ ۙ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ " سوره مبارکه سجده آیه ۲۱. که به عزتم سوگند که البته به ایشان از عذاب نزدیکتر غیر عذاب بزرگتر بچشانیم شاید که ایشان به سوی ما برگردند. ممکنه منظور از عذاب ادنی قحطی باشه، مرض باشه، اونایی که دنیوی هستند، جنگ باشه؛ منتها عذاب اکبر میشه عذاب روز قیامت، دیگر هر چیزی میتونه شاملش بشه. یا مثلاً سوره غاشیه " فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ

العَذَابَ الْأَكْبَرَ " بعد ادامه ش میگه " إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ " دوباره بحث کفر رو آورده . عذاب خشن، شدید و ابدی قیامت هست.

پس من تا الان یه دسته بندی بکنم، ببینید عذاب الیم بود ۶۶ مورد، عذاب شدید بود بعدیش، عذاب عظیم، عذاب شدید ۲۱ مورد، عذاب عظیم ۱۵ مورد، عذاب مهین ۱۴ مورد، عذاب مقیم ۵ مورد، عذاب غلیظ ۴ مورد، عذاب قریب ۲ مورد، عذاب نکر دو مورد، عذاب ضعف دو مورد، العذاب اکبر دو مورد هست، عذاب کبیر یک مورد، عذاب واصب یک مورد، عذاب سعد یک مورد، عذاب کبیر هم یک مورد.

حالا بریم اون مطلبی که به عنوان مثال میخواستیم بگم. حالا بیایم با مثالها؛ یه مثال های قشنگی می زنن. مثلاً برای عذاب الیم ببینم شماها چقدر می تونید مثال بزنیند، یه مثال بزنیند برای عذاب الیم، درد داره غیر از سوختن آتش؛ مثلاً حالا خود سوختن آتش هم هست اون دیگه نهایت شه ؛ حالا سوزاندن و شما بگید اون یکی، چون این من مثال زدیم؛ یه مثال دیگه شما بگین. غرق شدن خب این، ببین زجر توش نیست ، داغ فرزند. نه، نه، اینا روحی هست. دندان درد. نه شلاق زدن ببین میگم نهایت درد تصور کنید. بعد از سوزاندن، شلاق زدن نهایت درده یعنی بالاتر از اون دیگه دردی نداریم. پس عذاب الیم رو خواستیم مثال بزنینم سوزانده شدن با آتش و شلاق زدن، این عذاب الیمه. نشان دهنده ی کمال قهر هست و مثل همون شلاق زدن و اینها.

حالا اگر کنار این شلاق زدن و سوزانده شدن خیلی سر و صدا باشه، خیلی جمعیت جمع بشن، با عظمت این اتفاق اجرا بشه، یه جمعیت زیادی، دستگاه های زیادی برای این قضیه به کار برده بشه یعنی یک ابهتی داشته باشه، این میشه عذاب عظیم.

اگه خیلی عمیق باشه، سخت باشه همین شلاق زدن و همین سوزاندن میشه عذاب شدید. بعد حالا عذاب مهین، یعنی اون جمعیتی که جمع شدند، به عذاب ما عظمت دادن، سر و صدا هست، دستگاه هست، رفت و آمد هست، یه رئیسی نشسته و اجرا کننده ای و مامور و ناظر یعنی همه اینها رو تصور بکنید و حالا اون مردمی هم که آمدن ناظر هستند تحقیر هم بکنند مثلاً لجنی پرت بکنند، یه چیزی آب دهانی پرت بکنند یا حالا چیزهایی که حقارت برای انسان میاره؛ عذاب مهین انگار بیشتر روحی هست. آدم احساس خفت میکنه. پس این هم میشه عذاب مهین. برای عذاب شدید حتی ما میتونیم که میگیم که خیلی عمق داره، بلند مدته؛ می توانیم زندان های بلندمدت با اعمال شاقه رو هم توی عذاب شدید بگیم. پس چی شد اگر عذاب دردش نهایت باشه مثل سوزاندن، سوزانده شدن یا سوختن با آتش و شلاق زدن، درد بی نهایت داره. اگر طولانی مدت و عمیق باشه مثل زندان های بلند مدت با اعمال شاقه میشه عذاب شدید. اگر پر سر و صدا باشه، ابهت داشته باشه، هول انگیز باشه، میشه عذاب عظیم. اگر همراه با خفت باشه، خواری به همراه خودش بیاره، میشه عذاب مهین. بله اینجا یه مثال دار زدن هم از مصادیق عذاب عظیم هست دقیقاً. عظمت داره جمعیت جمع می شن، نگاه می کنند هول اون اضطراب را بیشتر می کند. پس همه اینا حالا، اون یکی صفات مثل عذاب مقیم یعنی پایداری هست؛ یعنی عذاب در عین اینکه شدید هست یا الیم هست پایدار هم هست یا عذاب نکر مثلاً باشه خیلی برامون ناشناخته است تا الان با این نوع عذاب مواجه نبودیم حتی به گوشمون هم نخورده بوده، تصورش نمی کردیم؛ ممکنه مثل عذاب کبیر باشه مثلاً همراه با ، عذاب کبیر مثل مثلاً عذاب شدید هست یکبار هم بیشتر در قرآن نیامده. خدمت تون عرض

کنم این ۴ تا صفت اصلی بقیه رو هم پوشش می دهند و این طور که الان از این آیات گرفتیم معمولا برای کافران، منافقان و مشرکان هست. و اینم گفتم فکر نکنید که مومنان از این صفات به دور هستند. ممکنه که درجاتی از این هم باشه. همه این مثال ها برای اینه که به ذهن نزدیک باشه، و گرنه مجازات های اون دنیا با مجازات های این ور اصلا قابل قیاس نیست. بعد اگر یادتون باشه تو بحث جنات ما یک عالمه برزخ داشتیم، بحث صفات داشتیم، ذات داشتیم برای این عذاب ها هم باز می تونیم همون قدر تقسیم بندی بکنیم. مثل عذاب های برزخی بیشتر روحانی هست، عذاب های اخروی هم روحانی هست ، هم جسمانی. اینا دیگه میره توی دسته های خودش.

دسته بندی ها همینه شما هر جا که برید بگردید، کتاب بخونید یا آیات قرآن ، مثلا تفسیر نمونه آقای مکارم شیرازی پرداخته به این موضوع، خیلی خلاصه و کلی. من دیگه با چند تا مقاله سر و ته شو جمع آوردم. فکر می کنم که کامل ترین دسته بندی اینا رو که من گفتم . حتی با تعداد گفتم که تعدادش بدونید و انواعش رو هم توی ذهنتون داشته باشید. ایام، ایام رجائی هست ؛ ایام نشاط هست، ما مطلب کاملا خوفی گفتیم امروز. فقط بحث تلنگر دیگه. ان شا الله که حواسمون بیشتر جمع بکنیم.

از عزیزان هم خیلی ممنونم از همراهی شون. از همگی التماس دعا دارم.

سؤال: اینجا سؤال کردند که حالا تا تموم نکرده دو سه تا سؤال هست. من یه ذره برم بالاتر. جا انداختم سؤال ها رو. این عذاب ها گفتن متناسب با گناهان هست؟ بله، متناسب با گناهان هست. مثلا اونجایی که بحث عذاب مهین بود خاطر تون باشه با تکذیب بود. یا حتی بحث های تمسخر هم عذاب مهین هست. یا اون جایی که تهمت به زنان پاکدامن هست چون سر و صدا شده، شایعه شده، آبروریزی شده مثلا شده عذاب عظیم. اینا حتما متناسب داره. خیلی هم زیباست متناسب شون.

سؤال: کسی که دیگران حقیر بکنه دچار عذاب مهین میشه؟ بله متناسب هست.

وصل الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین